

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه لقمان (جله اول)

جلسه خانوادگی - استاد اخوت ۱۳۸۶/۰۶/۲۱

ان شاء الله خداوند توفیق درک ماه محرم را با معرفت کامل تر به ما بدهد و هر محرمی برای ما، ماه تقویت جهاد و تقویت روحیه قیام باشد، صلواتی ختم بفرمایید.

برای آنکه بتوانیم به مقام حمدی که در زیارت عاشورا به برکت خون اباعبدالله (علیه السلام) که ثار خداست، نائل شویم به نحوی که حتی در مصیبت‌ها و بلاها حمد خدا را مشاهده کنیم و قدرت شهود زیبایی‌های عالم را حتی در مصائب نیز داشته باشیم، صلواتی ختم بفرمایید.

برای اینکه مصائبی که بر اهل بیت (علیهم السلام) وارد شده است توسط ما تبدیل به حسن و برکت شود و ما هم جزء کسانی نباشیم که کفران کرده‌اند و نیز جهت دوری از گناهان و اخلاق زشتی که ممکن است ما را با افرادی که قصد کوچک کردن اهل بیت (علیهم السلام) را دارند، هم‌راستا و همراه کند، صلواتی ختم بفرمایید.

\*\*\*

در جلسه قبل بخشی از آیات سوره مبارکه لقمان مطرح شده است. این سوره از سوره‌های الم است. حضرت لقمان دارای مقامی نزدیک به مقام انبیاء (علیهم السلام) هستند. ایشان از شخصیت‌هایی هستند که ظاهراً به مقام نبوت نرسیده‌اند اما اسم ایشان را در قرآن به صراحت ذکر می‌کنند و این پدیده عجیبی در قرآن است. ان شاء الله که ما بتوانیم به این مقام دست پیدا کنیم.

## متن سوره مبارکه لقمان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الم (١) تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ (٢) هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ (٣) الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ (٤) أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (٥) وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (٦) وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَكُنِيَ مُسْتَكْبِرًا كَانَ لِمَن يَسْمَعُهَا كَأَن فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا فَبَسَّرَهُ بَعْدَآبِ أَلِيمٍ (٧) إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ النَّعِيمِ (٨) خَالِدِينَ فِيهَا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (٩) خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَآلَقَى فِي الْأَرْضِ رَوْاسِيًا أَن تَمِيدَ بِكُمْ وَبَثَّ فِيهَا مِن كُلِّ دَابَّةٍ وَأَنزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ (١٠) هَذَا خَلْقُ اللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِن دُونِهِ بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (١١) وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنِ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَن يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ (١٢) وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِأَبْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ (١٣) وَوَصَّيْنَا الْإِنسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهَنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَى الْمَصِيرِ (١٤) وَإِن جَاهَدَاكَ عَلَىٰ أَن تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَن أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (١٥) يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِن تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ (١٦) يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكُمْ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (١٧) وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ (١٨) وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاغْضُضْ مِن صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ (١٩) أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنبِئٍ (٢٠) وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلِ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ (٢١) وَمَن يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (٢٢) وَمَن كَفَرَ فَلَا يَحْزَنكَ كُفْرُهُ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (٢٣) نُمَتِّعُهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ إِلَىٰ عَذَابٍ غَلِيظٍ (٢٤) وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (٢٥) اللَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (٢٦) وَلَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِن شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِن بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (٢٧) مَا خَلَقَكُمْ وَلَا بَعَثَكُمْ إِلَّا كَنَفْسٍ وَاحِدَةً إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ (٢٨) أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي

إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَ أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (٢٩) ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِن دُونِهِ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ (٣٠) أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلُوكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ اللَّهِ لِيُرِيكُمْ مِنْ آيَاتِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (٣١) وَإِذَا غَشِيَهُمْ مَوْجٌ كَالظَّلْمِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ (٣٢) يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ وَ اخْشَوْا يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَن وَلَدِهِ وَ لَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَن وَالِدِهِ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَ لَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ (٣٣) إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَ يُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَ يَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَ مَا تَدْرِي نَفْسٌ مَاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَ مَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (٣٤)

## سوره های الم

### الم (١)

شش سوره داریم که با الم آغاز شده است؛ سوره های بقره و آل عمران، روم و عنکبوت، لقمان و سجده. این سوره-ها همه با الم آغاز شده اند و نوعا نیز، دو به دو با یکدیگر در ارتباط هستند.

### تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ (٢)

وجه حکیم بودن کتاب در این سوره مطرح می شود. وجه حکیم بودن کتاب، وجهی است که انسان ها را می تواند به حکمت برساند و قدرت حکم دانی را به آنها بدهد.

## ویژگی های سوره

### هُدًى وَ رَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ (٣)

ویژگی دیگر سوره این است که «محسنین» را معرفی می کند. این گروه همان ویژگی های متقین را دارند اما در لباس محسن ظاهر می شوند. در واقع کسانی که به وصف محسن، معرفی می شوند.

خصوصیت اول سوره این است که وجه حکیم بودن قرآن را مشخص می کند و خصوصیت دوم این است که گروهی از انسان ها را با نام «محسن» معرفی می کند و احتمالا بین این دو ارتباطی وجود دارد و کسانی که از حکمت قرآن استفاده می کنند، می توانند محسن می شوند.

## خصوصیات محسنین

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ (۴)

خصوصیات محسنین این است که اقامه کننده صلوه هستند، زکات را می‌پردازند و این‌ها یقین به آخرت را جاری می‌کنند. «یوقنون» یعنی به واسطه مفهومی به نام آخرت، یقین‌ورزی می‌کنند و یقینشان را جاری می‌کنند.

أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۵)

اگر کسی بخواهد ببیند که هدایت قرآن چگونه در او جاری می‌شود، باید این وصف را در خودش تدارک ببیند. اگر کسی این خصوصیت را داشته باشد، «علی هدی من ربهم» است و حتماً به فلاح می‌رسد. خدا توقعی ندارد و همین سه کار ساده را از انسان خواسته است تا هدایتش کند.

## لهو الحدیث

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (۶)

کسانی که سخنان لهو و بیهوده را می‌خرند و برای آن هزینه می‌کنند. در حوزه سخنان و کارهای باطل (حدیث را می‌توان گفتار باطل یا کارهای نو و باطل در نظر گرفت) حدیث گفتار جدید یا هر کاری‌ست که نوآوری داشته باشد. کسانی که حاضرند برای نوآوری‌های باطل، هزینه کنند.

خواسته یا ناخواسته جلوی راه خدا را می‌گیرند، جلوی نماز خواندن کسی را بگیرند، جلوی زکات دادن را بگیرند، جلوی یقین به آخرت را بگیرند و.. این‌ها همه مصداق‌های سبیل می‌شوند و یا اینکه «يَتَّخِذَهَا هُزُوًا» باشند.

«لام» در «لِيُضِلَّ» را می‌توان لام غرض نگرفت و لام غایت گرفت، لام غایت اگر باشد اینگونه می‌شود که به طور طبیعی از لهو الحدیث، خیر و برکت در نمی‌آید. در هر حال از ماهواره داشتن و صوت غنی و مجلس گناه، هدایت بدست نمی‌آید! نهایت پرداختن به لهو الحدیث می‌شود اضلال که هم خودش گمراه می‌شود و هم دیگری را گمراه می‌کند. چون به هر حال من دوست، پدر، مادر، برادر، خواهر و... دیگری هستم و این انحراف من، در بقیه هم تأثیر می‌گذارد. «يَتَّخِذَهَا هُزُوًا» یعنی آنچه مربوط به خداست را طرد کند.

کسی که «یشتری لهو الحدیث» می‌کند ممکن است علم به لهو بودن آن نداشته باشد. اگر لام را لام غرض بگیرد حتما باید در آن مدیریت داشته باشد. مصداق خاص این موضوع عده‌ای هستند که به طور خاص در مقابل کسانی که اقامه نماز و ایتاء زکات می‌کنند، ایستاده‌اند. یعنی همانطور که در جامعه عده‌ای برای هدایت برنامه‌ریزی دارند، عده‌ای نیز در مقابل این‌ها می‌ایستند. این مصداقش است اما تا خریداری نباشد، فروشنده‌ای نیست! در یک تعامل اجتماعی خرید و فروش اتفاق می‌افتد. شبیه قصه غدیر می‌ماند. به هر حال سقیفه‌ای وجود داشت اما مردمی هم بودند که به این سقیفه تن دادند و پذیرفتند. اگر مردم نمی‌پذیرفتند، سقیفه به جایی نمی‌رسید. اگر مردم با فسق و فساد مشارکت نکنند، فساد قدرت جولان نخواهد داشت.

هرکسی در این جمع نشسته است به زندگی خودش نگاهی بیندازد، تا ببیند آیا مصداق «لهو الحدیث» را می‌بیند یا خیر. لهو هر کاری است که لذتی دارد و غیر از این لذت فایده دیگری هم ندارد. مقصد دنبال‌دار، که نتیجه باقی نمی‌تواند داشته باشد. حالا ممکن است کسی اصرار داشته باشد که حدیث را سخن بگوید. اشکالی ندارد، در تعاملات و گفتگو و آنچه می‌شنوید و آنچه می‌خوانید هم حدیث است. یا ما مطمئنیم که هر کاری که انجام می‌دهیم لهو نیست یا اینکه به این موضوع مطمئن نیستیم. با ارزیابی‌ای می‌توانیم جلوی لهو الحدیث را در زندگی‌هایمان بگیریم! هرکسی از خودش شروع کند.

اگر کفر مشتری نداشته باشد، بازارش کساد می‌شود. رونق بازار کفر به دلیل مشتری‌های آن است! بازار مستکبرین و کسانی که در عذاب مهین هستند را کساد کنید! این کار خوبی است. عده‌ای هستند که «لهو الحدیث» در جامعه وارد می‌کنند. این‌ها خودشان عذاب مهین دارند. اما اگر تو هم مشتری آنها بشوی، تو نیز در زنجیره او قرار می‌گیری و همانطور که به بدبختی دچار می‌شود، تو را هم با خودش در آن مرداب‌ها می‌کشاند.

این قضیه مهم است. خیلی سایت‌هایی که بازدید می‌شود، خیلی از صوت‌هایی که شنیده می‌شود و خیلی از اخباری که شنیده می‌شود و خیلی از توهین‌هایی که به برخی وارد می‌شود، باید بازارشان کساد شود. در واقع باید زمینه‌های منکر را در جامعه بگیریم و خریدار آنها نباشیم.

خرید و فروش دو سمت دارد؛ یک بیع داریم و یک شراء. فروش و خرید. شراء بیشتر اشاره به خریدار دارد.

در این جمع حرفی خصوصی بین دو نفر رد و بدل می‌شود و به صرف برانگیخته شدن این حس، به دنبال فهمیدن آن است! این می‌شود «لهو الحدیث». حالا یک بار می‌گوییم مثلاً برای فهمیدن آن باید پول نیز بدهید، اینکه هزینه بدهید می‌شود «یشتری».

کسی خودش را از این موضوع مبرا نداند. خیلی چیزها هست که لازم نیست بدانیم و بشنویم و ببینیم. لازم نیست یعنی به نفع ما نیست یا ربطی به ما ندارد و یا ما مسئول آن نیستیم. این‌ها زمینه‌های انواع القاء را در شما ایجاد می‌کند. خیلی از چیزهایی که فهمیده‌اید، به درد شما نمی‌خورد. بصیرت داشتن، به داشتن اطلاعات نیست! به داشتن «لهو الحدیث» نیست! فضای ذهنی باید برای انجام خوبی‌ها پاک شود، که اگر چنین نکنید، درون شما برای خوبی گنجایش نخواهد داشت.

الان فضای «لهو الحدیث» به شدت رایج است و هر کسی در آن به نوعی گرفتار است، بالاخص با شبکه‌های مجازی. برخی از خبرها و اطلاعات فقط به هم ریزاننده است.

### تفاوت لهو و لعب و لغو

لهو و لعب در غایت نداشتن مشترک هستند اما در «لهو» نوعی لذت وجود دارد و در «لعب» یک عادت و تکرار که منجر به انجام آن کار می‌شود. «لغو» مربوط به یک سخن یا کاری است که مطلقاً بی‌خاصیت و بی‌فایده باشد. یعنی در آن خاصیت و کاربردی نیست.

### مستکبر

وَ إِذَا تُلِيَّ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَ لِيَ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَأَن فِي أُذُنِهِ وَقْرًا فَبَسَّرَهُ بَعْدَ آيَاتِنَا أَلِيمًا (۷)

این مربوط به آدم‌های دیگر نیست. به هر نسبتی که در گوش انسان «لهو الحدیث» وجود دارد، در برخورد با آیات حس سیری و بی‌نیازی می‌کند. مثلاً بناست آیه بخواند و نماز بخواند، این آیه و نماز برای او جذبه‌ای ندارد و انجام نمی‌دهد. این حالت استکبار است. لهو الحدیث گوش‌هایش را پر کرده است.

هر کسی این آیات را بشنود و عمل کند، به طور قطع و یقین، جزء محسنین است. اگر کسی در زمره محسنین نیست، حتماً دچار این بلا و آفت است.

می‌گویند «ادب از که آموختی، از بی‌ادبان». پس احسان را از که آموختی؟ از بی‌احسان‌ها!

«احسان» یعنی کسی که به شما بدی کرده است را، بدی او نبینید و به او خوبی کنید. بی‌توقعی نسبت به دیگران! احسان، خیری را به دیگری عطا کردن است. حتی که دیگری نسبت به شما دارد را کامل ادا می‌کنید. کسی که گرو و گروکشی می‌کند، از احسان نیست.

### جنات نعیم

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ (۸) خَالِدِينَ فِيهَا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۹)

خداوند وقتی در آیات در مورد وعده‌هایش حرف می‌زند، یک‌وقت می‌گوید این اتفاق می‌افتد و یکبار می‌گوید این هست؛ یعنی ایمان و عمل صالح که تحقق پیدا می‌کند این هست و لازم نیست زمانی برایشان پدیدار شود. «لهم» اختصاص می‌دهد. آیه ۹ می‌گوید بعدا در این مستقر می‌شوند چون ممکن است تا زمانی که انسان در دنیا است، این شرایط را از دست بدهد.

هر انسانی باید بداند با هر حسنی که انجام می‌دهد به طور قطع به ثوابی آخرتی دست پیدا می‌کند و دوم اینکه این ثواب آخرتی، زمانی به طور کامل در آن مستقر می‌شود و به او داده می‌شود که حتما ایمانش را حفظ کند.

### ارتباط تکلف و حسن

در رابطه با این موضوع، مطالب مفصلی وجود دارد. تکلف چیز خوبی نیست چون مانع استمرار در عمل می‌شود و از سویی هم، تکلف چیز خوبی است چراکه نفس انسان به راحت‌طلبی عادت کرده است و انسان باید این نفس را رام کند. انسان نباید خیلی برای نفسش راحتی ایجاد کند. بین این دو که تکلف چیز بدی است و تکلف چیز خوبی است، باید جمع کرد و البته برای هر دو این‌ها روایت وجود دارد.

هر جایی تکلف مانع عمل است، خوب نیست و هر جایی که تکلف منجر به ادب کردن نفس است، خوب است. خیر رساندن، سخت است و با راحت‌طلبی و آسایش جور نیست. ذات سختی را از دنیا برای هیچکس نمی‌توان حذف کرد.

## فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

گویی هزینه‌ای کرده است و بشارتی می‌خواهد اما به جای آن، عذاب می‌دهد. اینها کنایه نیست بلکه توقع فرد نسبت به کارش است.

### خلق و آنچه به آن ایمان آورده

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَ أَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَ بَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَ أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ (۱۰) هَذَا خَلْقُ اللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (۱۱)

گاهی انسان حیران آیات الهی می‌شود. روند آیات را تا اینجا مرور می‌کنیم، این آیات محتوای ایمان‌شان است. چیزهایی در عالم هست اما دیده نمی‌شود. مثل «عمد» های آسمان که وجود دارد اما دیده نمی‌شود و به آن و خدایی که آن را خلق کرده است، ایمان دارند.

«رواسی»؛ در نظام فکری‌شان کوه موضوعیت دارد، به خاصیت‌هایش در ذهنشان کوه هست.

«كُلُّ دَابَّةٍ»؛ در آن تنوعی از جنبده می‌بیند.

«زَوْجٍ كَرِيمٍ»؛ ممکن است بگوییم این‌ها مطالب خیلی ساده‌ای است اما فکر کنید یک نفر هنگام احتضارش باشد و یا در خواب و رویا از او پرسند دنیا چگونه جایی بود، می‌گوید گرانی بود، مردم دشمن بودند، ...نه! می‌گوید دنیا آسمانی خیلی زیبایی دارد و ستونهایش دیده نمی‌شود و در زمینش همه نوع جنبده‌ای بود و آسمانی داشت که از آن آب می‌ریخت و زمانی که آب می‌ریخت، گیاهانی از نوع زوج کریم رویش پیدا می‌کردند. «زوج کریم» یعنی مقاوم و سازگار است و دارای کرامت درونی برای بقاء است. در این مصاحبه آنچه از دنیا در ذهن دارد، این است. این فرد چقدر با آرامش و راحت است.

اگر کسی این‌ها را نتواند ببیند، چگونه می‌خواهد از شرک رهایی یابد؟! چون هر چه در دنیا می‌بیند، خطا و اشتباه و عیب است. نمی‌تواند به وجه مثبت عالم توجه کند.



## حج

دوستانی از جمع در سفر حج بوده‌اند. دعا کنید، هر کس حج نصیبت می‌شود که استطاعت دعایی را داشته باشد. هر کسی حج می‌خواهد با پول حج نمی‌دهند! آنهایی که رفته‌اند، نوعاً به علت تمکن مالی نیست بلکه به خاطر دعایی است که در آنها شکل گرفته است. یکی از مهم‌ترین مراتب رشد انسان این است که حتماً حج برود و کسی تا حج نرود، مراحل رشدش کامل نمی‌شود. به همین دلیل واجب الهی است و در طول عمر حداقل یک‌بار باید رفت و پس از آن رفتن، روحیه و حالات را در فرد ذخیره می‌کند.

## موعظه و نظام باوری

وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ (۱۲)

این سوره به سه قسمت تقسیم می‌شود:

۱ تا ۱۱ بعد از ۱۲ تا ۱۹ و ۲۰ تا انتها.

هر سه قسمت این سوره از نظر واژه‌ای به یکدیگر مرتبط است. هر حرفی که حضرت لقمان مطرح می‌کنند، آیات و نشانه‌هایی در آیات قبل و نیز در آیات بعد دارد. حضرت لقمان یک دستگاه فکری را نشان می‌دهد که چگونه باورها به موعظه تبدیل می‌شود. این موعظه‌ای که در اینجا می‌بینید، لازم است دارای چه نظام باوری باشد. یعنی هر کسی خواست موعظه‌ای کند، باید حتماً پشتوانه باوری شبیه به این در خودش ذخیره کند و اگر نداشت، موعظه نکند.

اگر کسی نتوانست دنیا را شبیه آیات ۱۰ و ۱۱ ببیند، لطفاً موعظه نکند! موعظه یعنی ایجاد کردن یک ساختار و بنیاد تعلیم و تزکیه.

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَ أَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَ بَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَ أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ (۱۰) هَذَا خَلْقُ اللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (۱۱)

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات